

# سرنوشت شریعت در میان پیروان کلیسا

سیدرضا هاشمی\*

## چکیده

در این مقاله سعی بر آن بوده تا حد امکان از روش درون دینی استفاده شود و بحث شریعت را در دین مسیحیت با استناد و توجه به متون خود آنان مورد توجه و بررسی قرار دهد.

تغییر در مفهوم شریعت و نسخ شریعت موسوی، در دیدگاه مسیحیان و همچنین جایگاه ایمان و نقش آن در سعادت در فرهنگ و زندگی آنان مورد بررسی و مطالعه قرار داده شده است. سپس به بحث جایگزینی شریعت ایمان به جای شریعت موسوی در این دین پرداخته و خاستگاه و شروع این جریان را مورد مطالعه و بازخوانی قرار داده است.

گرچه جدایی شریعت از دین مسیح علیه السلام در طی یک فرآیند تاریخی و در پی فراهم شدن بسترهای مناسب آن مشاهده می‌شود، اما اشاره و اعتراف عهد جدید در برابر این پرسش که چه کسی این عقیده را دامن زده است، با مشخص کردن چهره مهمی، چون پولس موردی مهم و قابل مطالعه و توجه است.

از خلال آن چه که در این مقاله می‌آید، فهمیده می‌شود که نسخ شریعت موسوی نه تنها از سوی مسیح علیه السلام به رسمیت شناخته نشد؛ بلکه آن حضرت بر پابندی به آن اصرار می‌کرده و خود نیز فرمان‌های آن را انجام می‌داده‌اند. نسخ شریعت موسوی و جایگزینی شریعت ایمان با آموزه‌های پولس آغاز شده و کم کم جای خود را در جامعه مسیحی پیدا کرده است.

\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فرق و مذاهب اسلامی / افغانستان.

## مقدمه

بسیاری از دانشمندان و خود مسیحیان معتقد به برداشتن شریعت موسوی از دین مسیح هستند، مسیحیت کنونی که اعتقاد به نقش نداشتن شرایع و احکام در سعادت بشر دارد، برداشته شدن شریعت موسوی را به واسطه فیض خداوند و فدای عیسی می‌دانند. بیان‌گر و یا به عبارتی سزاوارتر بنیان‌گذار این اندیشه پولس است، چگونگی القا و جای‌گزینی این اعتقاد سؤالی است که سعی شده در این تحقیق به آن پاسخ داده شود.

## تعریف دین

واژه دین از مفاهیمی است که همواره در میدان آراء و نظرات گوناگون صاحب‌نظران قرار داشته و توافق مشترک درباره آن وجود ندارد. تعاریف متعدد از دین حاکی از گستردگی این مفهوم است.

معنای لغوی دین، انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا است و معنای اصطلاحی آن، مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش و تعالی انسان‌ها می‌باشد.<sup>۱</sup> گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. اگر مجموعه‌ای حق باشد آن را دین حق و در غیر این صورت آن را دین باطل و یا التقاطی از حق و باطل می‌نامند.

از نظر دانشمندان مسلمان دین خداوند یکی است و آن اسلام به معنی تسلیم در برابر امر پروردگار است و از نخستین روز پیدایش بشر همراه وی بوده است. لذا تاریخ پیدایش دین هم‌زمان با پیدایش انسان می‌باشد.<sup>۲</sup>

## مفهوم شریعت

شریعت عبارت از احکام و دستورات و عبادات و اخلاقیاتی است که هر پیغمبر می‌آورد و شریعت هر پیغمبری بر حسب مقتضیات زمان و مکان و امت و قوم او با شریعت دیگر فرق می‌کند.<sup>۳</sup>

۱- خسرو پناه؛ گستره شریعت؛ قم؛ انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳۱.

۲- طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ شیعه در اسلام؛ قم، انتشارات دارالتبلیغ الاسلامی، ۱۳۸۹ق، ص ۴۱.

۳- طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ خلاصه تعالیم اسلام؛ مترجم: داوود الهامی، تهران، انتشارات کعبه، ۱۳۶۲، ص ۴.

## ضرورت بحث از شریعت

طرح مسئله قلمرو دین از جهات مختلفِ تئوریک و کاربردی، ضروری می‌نماید؛ از جمله: تعیین قلمرو شریعت نقش مؤثری در ساختار توزیع قدرت و نظام سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دین و جامعه دارد. در بحث از شریعت، بحث از خاستگاه آن یعنی دین لازم می‌آید و نکاتی را باید مورد توجه و تأکید قرار داد.

بنابر اعتقاد مسیحیان، حضرت آدم گناه کرد و از بهشت رانده شد. گناه او در تمام نسل او به ارث مانده و تمام انسان‌ها به دلیل گناه آدم گنهکار شدند.<sup>۱</sup> عهد جدید انسان‌ها را به عنوان بیگانگان از خدا<sup>۲</sup> و تحت سلطه قدرت‌های شیطانی،<sup>۳</sup> بردگان گناه<sup>۴</sup> و نیازمندان به رهایی از گناه، مجازات و قدرت آن<sup>۵</sup> معرفی می‌کند.<sup>۶</sup>

بهایی که برای این آزادی باید پرداخت شود؛ باید اهانتی را که به ساحت مقدس الهی شده است، جبران کند. از دید مسیحیان، تنها کسی می‌تواند این جسارت را جبران کند، که در حد خدا باشد. به همین جهت معتقدند که خداوند پدر، برای بخشیده شدن گناه ذاتی آدمیان، پسر خود را به صورت انسان از مریم متولد کرد تا قربانی و فدیة گناه انسان‌ها شود. مسیح به عنوان خدا و پسر خدا، به جای افراد بشر روی صلیب کشته شد تا گناه انسان‌ها بخشیده شود. مسیح بهای آزادی انسان‌ها را با ریختن خون خود و دادن زندگیش پرداخت کرد.<sup>۷</sup>

## معنای شریعت در کتاب مقدس

از شریعت معانی متعددی در کتاب مقدس قصد گشته است؛

- گاهی مقصود از آن تمام کلام خدا است.<sup>۸</sup>
- گاهی مقصود کتب عهد عتیق می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱- کتاب مقدس؛ انگلستان؛ انتشارات ایلام؛ ۲۰۰۲م؛ چاپ سوم؛ رساله پولس به رومیان ۵: ۱۲.

۲- رساله پولس به رومیان ۳: ۱۰-۱۸.

۳- اعمال رسولان، ۱۰: ۳۸؛ ۲۶: ۱۸.

۴- رساله پولس به رومیان، ۶: ۷؛ ۱۴: ۷.

۵- اعمال رسولان، ۲۶: ۱۸؛ رساله پولس به روم، ۱: ۱۸؛ ۶: ۱۸-۱۸؛ ۲۳؛ رساله پولس به افسسیان ۵: ۸.

۶- دایرة المعارف کتاب مقدس، ترجمه بهرام محمدیان و دیگران، ص ۴۴۲.

۷- انجیل متی ۲۰: ۲۸؛ انجیل مرقس ۱۰: ۴۵؛ رساله اول پولس به قرنتیان ۶: ۲۰؛ رساله پولس به افسسیان ۱: ۷؛ رساله پولس به تیمتس ۲: ۱۴؛ رساله پولس به عبرانیان ۹: ۱۲؛ رساله اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹.

۸- مزامیر داود ۷: ۱۹-۱۱ و ۱۱۹؛ و اشعیا ۲۰: ۸.

- گاهی مقصود پنج سفر موسی است.<sup>۲</sup>
- گاهی مقصود از تمام رسوم موسوی می‌باشد.<sup>۳</sup>
- گاهی مقصود هدایت و تسلط درونی می‌باشد.<sup>۴</sup>

### دیدگاه مسیحیان نسبت به شریعت

دیدگاه پنجم متعلق به مسیحیان است، ایشان مقصود از شریعت را هدایت و تسلط درونی می‌دانند که همان شریعت ایمان است. این بدان معنی است که انسان مسیحی با پذیرش ایمان به درجه‌ای از کمال و سعادت رسیده است که دیگر بدون در نظر گرفتن شریعت هم دست به گناه و گژی نخواهد زد. مسیحیان شریعت موسوی را در ظل عهد انجیلی می‌خوانند یعنی با آمدن عهد جدید شریعت موسوی دیگر کارایی نداشته و نقشی در سعادت ندارد و بعد از صعود مسیح منسوخ شده<sup>۵</sup> و برداشته شدن شریعت موسوی را نتیجه محبت خداوند به سوی انسان می‌دانند.<sup>۶</sup> مسیحیان بر این عقیده‌اند که شریعت موسوی برای مسیحیان واجب نیست و نباید بدان عمل نمایند زیرا که آن‌ها دیگر در تحت شریعت نیستند بلکه در تحت توفیق می‌باشند.<sup>۷</sup>

### ایمان تنها راه رستگاری

مسیحیان براین باورند که تنها راه نجات و سعادت انسان‌ها ایمان آوردن به مسیح و مرگ فدیه‌وار اوست؛ زیرا با به صلیب رفتن عیسی گناه انسان‌ها بخشیده شده و هر که به این مسأله



- ۱- یوحنا ۱۰:۳۴ و ۱۵:۲۵.
- ۲- انجیل لوقا ۲۴:۴۴ و رساله اول پولس به عبرانیان ۱۳:۱۵. «مختم است که پنج سفر همان شریعت بوده است که می‌بایست هر یک از سلاطین اسرائیل یک نسخه از آن در نزد خود داشته همواره به مذاکره و تلاوت آن مشغول باشند و پیر و جوان را واجب بود که چه در خلوت و چه در ظاهر بر مطالب آن عارف و مطلع باشند.» (تثنیه ۷:۶ و ۱۷:۱۸ و ۱۹:۹ و ۳۱:۹ و ۱۹ و ۲۶).
- ۳- یوحنا ۱:۱۷ و ۱۵:۸ و رساله اول پولس به عبرانیان ۱۰-۱۸.
- ۴- (رساله پولس به روم ۷:۲۱-۲۳ رساله پولس به روم ۸:۲ و ۳۱ رساله یعقوب ۱:۲۵ و ۲:۱۲).
- ۵- (رساله پولس به غلاطیان ۳:۲۴ رساله پولس به اف ۲:۱۵ رساله پولس به عبرانیان ۹:۱ و ۱۰:۱-۲۲).
- ۶- و آن نتیجه محبت به سوی انسان بوده (رساله پولس به روم ۱۰:۱۲-۱۲).
- ۷- رساله پولس به روم ۶:۱۴ و ۱۵ و ۷:۴ و ۶ رساله پولس به غلاطیان، ۳:۱۳ و ۲۵ و ۵:۱۸.

ایمان بیاورد به نجات رسیده است. راه دیگری وجود ندارد که بتواند انسان را از مرگ و محکومیت ابدی نجات داده و به او حیات جاودانی ببخشد.<sup>۱</sup>

### مسیحیان در برخورد با شریعت

همان‌گونه که قبل از این هم اشاره شد؛ شریعت، مجموعه مقررات و احکامی است که جهت تنظیم اعمال انسان و اصلاح نظام اجتماعی وضع می‌شود. پیامبران بزرگ الهی؛ یعنی: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ در اعتقاد ما دارای شریعت بوده‌اند.

#### • مسیحیان در مورد شریعت عهد عتیق چنین اعتقاد دارند که؛ نکته کلیدی در این

رابطه دانستن این حقیقت است که شریعت عهد عتیق به قوم اسرائیل داده شد؛ نه به مسیحیان. بعضی از قوانین شریعت به این جهت بود که یهودیان بدانند چگونه خداوند را اطاعت نموده و او را خشنود سازند. برخی نیز (مانند فرائض قربانی)، به آن‌ها نشان می‌داد که چطور خدا را عبادت کنند، بعضی نیز (مانند قوانین مربوط به غذا و لباس) صرفاً به این لحاظ مقرر شده بود تا میان یهودیان و سایر اقوام، تمایز ایجاد کنند. امروزه، هیچ کدام از قوانین شریعت عهد عتیق به ما مربوط نمی‌شود. مسیح با فدا ساختن جان خود بر روی صلیب، همه قوانین شریعت عهد عتیق را به کمال رسانید<sup>۲</sup> به جای شریعت عهد عتیق، ما تحت شریعت مسیح هستیم<sup>۳</sup> به این معنی که:

«خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما. این است حکم اول و اعظم. و دوم مثل آن است یعنی همسایه خود را مثل خود محبت نما. بدین دو حکم، تمام تورات و صحف انبیا متعلق است.»<sup>۴</sup> اگر این دو امر را به انجام رسانیم، همه آن‌چه را که مسیح از ما خواسته است انجام داده‌ایم. «زیرا همین است محبت خدا که احکام او را نگاه داریم و احکام او گران نیست»<sup>۵</sup>

- ۱- (اعمال رسولان ۴: ۱۲). مسیح تنها راه به سوی پدر است (یوحنا ۱۴: ۶؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲. نجات به وسیله فیض خدا و از طریق عیسی مسیح (نامه پولس به رومیان ۳: ۲۴)، بر اساس مرگ (رساله پولس به روم ۳: ۲۵؛ ۸: ۸)، قیام (نامه پولس به روم ۵: ۱۰) و شفاعت مداوم مسیح برای ایمان‌داران (رساله پولس به عبرانیان ۷: ۲۵) در اختیار ما قرار می‌گیرد.
- ۲- رساله پولس به رومیان ۱۰: ۴؛ رساله پولس به غلاطیان ۳: ۲۳-۲۵؛ رساله پولس به افسسیان ۲: ۱۵.
- ۳- رساله پولس به غلاطیان ۶: ۲.
- ۴- انجیل متی، ۲۲: ۳۷-۴۰.
- ۵- رساله اول یوحنا ۵: ۳.

• **شریعت عیسی و پیروان ایشان** همان شریعت موسوی است، به استثنای چند مورد که در شریعت موسی به جهت تنبیه بنی اسرائیل بر آنان قرار داده شده و در شریعت عیسوی لغو شده است.<sup>۱</sup> لذا عیسی دارای شریعتی غیر از شریعت موسوی نبوده است. در عهد جدید احکام حدود و قصاص و ارث مشخص نشده و بر تبعیت از احکام تورات تأکید شده است. مواضعی از عهد جدید به نقل از شخص عیسی به حفظ شریعت موسی و احکام تورات تأکید نموده است و حضرت عیسی علیه السلام خود را کامل کننده شریعت موسی می دانست و به شاگردان خود و همه مردم می گفت: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صُحُف انبیا را باطل سازم؛ نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نشود تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچک‌ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان، کوچک‌ترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.»<sup>۲</sup>

• **حواریون و پیروان ایشان** هم بر حفظ شریعت موسوی مواظبت می کردند. «حواریون ظاهراً تمام آداب و رسوم شریعت یهود را رعایت می کردند و همه روزه مرتباً به معبد رفته آیین موسوی را مانند دیگر یهودیان احترام می نهادند و اگر کسی به دین ایشان در می آمد و مختون نبود او را الزام می کردند که عمل ختان را انجام دهد. تنها چیزی که ایشان را از یهودیان امتیاز می داد، این بود که اعتقاد داشتند که عیسی همان مسیح موعود است که در کتب انبیای بنی اسرائیل به ظهور او بشارت داده‌اند.»<sup>۳</sup>

• **پولس و پیروان او** به عنوان اولین کسانی هستند که در تاریخ مسیحیت و به اقرار کتاب مقدس و رساله‌های پولس قائل به نسخ شریعت موسوی شدند و عمل به آن را برای پیروان غیریهودی عیسی لازم و ضروری نمی دانسته و شریعت موسوی را منسوخ و لعنت برداشته شده خواندند. پولس به خاطر نگاه خاص خود به بحث

۱- رک؛ تفسیر المیزان ذیل آیه ۹۳ سوره آل عمران.

۲- انجیل متی ۵: ۱۸.

۳- کرنز، اول؛ سرگذشت مسیحیت؛ مترجم: بهرام مهرداد، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱، ص ۴۳.

فدیه و کفاره نیابتی می‌گوید: دیگر به شریعت نیاز نیست. شریعت مربوط به دوره قهر خداوند است. عصیان حضرت آدم متضمن اهانت به خداست. این اهانت خبثت ذاتی برای ما به ارث گذاشته است. شریعت مربوط به این دوره است. شریعت برای شناخت گناه است تا ما آماده دریافت فیض شویم. به اعتقاد پولس، حضرت عیسی خوش را برای ما فدا کرده است. نتیجه این فدا آشتی با خداست. بازشناسی شناخت دوباره خداست. ورود به فضای فراخ است. بنابراین نیازی به آن شریعت نیست.<sup>۱</sup>

● **در نظر کاتولیک‌ها** «سعادت ابدی با دو شرط: یکی فیض خدا و دیگری اعمال صالح، حاصل می‌شود. در این راه کلیسای کاتولیک رم می‌کوشد که اظهارات کتاب مقدس به خصوص عهد جدید را که با این موضوع هماهنگی ندارند تأویل کند. احکام خدا عبارت اند از: احکام دهگانه عهد عتیق (به استثنای احترام روز شنبه) و اخلاق کامل مسیحیت. اخلاق مرکب است از یک سلسله قوانین عملی مشخص که به عهده افراد گذاشته شده است، مانند: حضور در جشن‌های کلیسا، شرکت در عشای ربانی، روزهای یک‌شنبه و اعیاد، حضور برای اعتراف و شرکت در مراسم یادبود آخرین شام عیسی حداقل سالی یک بار، به جا آوردن روزه چله‌لنت) و همچنین روزه‌های نذر و خودداری از خوردن گوشت در روزهای پرهیز.»<sup>۲</sup>

● **پروتستان‌ها**، در مقابل کلیسای کاتولیک، به تبعیت از لوتر که او را احیاگر اندیشه فراموش شده پولس دانسته‌اند، تنها عامل نجات را ایمان و برخورداری از فیض الهی می‌دانند. یکی از نویسندگان پروتستان چنین نوشته است:

«پولس رسول که بزرگ‌ترین مفسر مسیحیت در عهد جدید است، اولین نبرد مسیحی را که علیه شریعتی بودن انجام شد، او رهبری کرد. تمام مذاهب از جمله مسیحیت متمایل به شریعتی بودن، هستند. مسیحیان اولیه به رهبری پولس متوجه شدند که شریعتی بودن - یعنی دریافت اجر و پاداش از خدا برای اجرای بعضی از قوانین و مقررات - اصولاً غلط است، زیرا مذهب را به تجارت و داد و ستد تبدیل می‌کند. انسان می‌خواهد خوب باشد تا بتواند اجر و پاداش دریافت کند. این اعتقاد به این دلیل غلط است که ما را مانند فریسیان به افرادی

۱- رساله پولس به رومیان ۱۹: ۳-۲۴.

۲- کرنز، اول؛ سرگذشت مسیحیت؛ مترجم: بهرام مهرداد، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱، ص ۷۴.

خودپسند و ریاکار تبدیل می‌کند. فریسیان چون شریعت را کمی بهتر از دیگران رعایت می‌کردند خود را از آن‌ها بالاتر می‌دانستند. به علاوه پیوسته در این وسوسه قرار داشتند که ریاکاری پیشه ساخته و خود را بهتر از آنچه واقعاً بودند بدانند و از طرف دیگر پولس و هم‌فکران او متوجه شدند که شریعتی بودن باعث یأس و نومییدی انسان می‌گردد.<sup>۱</sup>

پروتستان‌ها معتقدند که؛ عیسی و پولس به جای امید از راه شریعتی بودن، نجات از طریق ایمان به فیض و لطف الهی را معرفی کردند. این اعتقاد در تعالیم عیسی به طور ضمنی و در تعالیم پولس به طور صریح مطرح می‌شود. ایشان معتقدند که اصل این اعتقاد در تعبیرهای عیسی و پدر خواندن خدا توسط او وجود دارد<sup>۲</sup> و پولس نیز برای تبیین این عقیده چنین می‌گوید: «زیرا محبت مسیح ما را فرو گرفته است چون که این را دریافتیم که یک نفر برای همه مرد پس همه مردند<sup>۳</sup> و برای همه مرد تا آنانی که زنده‌اند از این به بعد برای خویشتن زیست نکنند بلکه برای او که برای ایشان مرد و برخاست.<sup>۴</sup> زیرا برای گناهان خود در شخص مسیح و در صلیب او دادرسی شده است.»<sup>۵</sup>

### مسئله جانشینی عیسی علیه السلام و جایگاه پولس نزد عیسی علیه السلام

در روایات اسلامی و کتاب مقدس آمده است که رهبری مسیحیان پس از حضرت عیسی علیه السلام بر عهده وصی حضرت، شمعون بن حمون [یونا] (معروف به پطرس) بود. او کسی بود

۱- همان، ص ۷۵.

۲- مانند این عبارات که عیسی می‌گوید: شما کامل باشید چنان‌که پدر شما در آسمان است کامل است (۴۸ انجیل متی ۵) و اما شنوندگان گفتند پس که می‌تواند نجات یابد (۲۶ انجیل لوقا ۱۸) او گفت آنچه نزد مردم محال است نزد خدا ممکن است (۲۷ انجیل لوقا ۱۸).

۳- رساله دوم پولس به قرنتیان ۵: ۱۴.

۴- رساله دوم پولس به قرنتیان ۵: ۱۵.

۵- رساله دوم پولس به قرنتیان، ۵: ۲۱.

۶- کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۸۸ق؛ چاپ اول، ج ۱، ص ۵۳۲ و هم‌چنین؛ کراچی، محمدبن علی؛ کنز الفوائد، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۴۲.



که که در رأس حواریون قرار داشت و مسئولیت حضرت عیسی علیه السلام را بعد از او بر عهده گرفت. به نوشته انجیل متی حضرت عیسی به او گفت: «کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می سپارم.»<sup>۱</sup> اما هیچ کجا نه در متون اسلامی و نه در اناجیل نامی از پولس به عنوان وصی عیسی نیامده است، اما در حال حاضر، این شخص یعنی پولس نفر دوم در مسیحیت است، که به عقیده مسیحیان کار ناتمام عیسی را تمام کرده است و دین مسیحیت را جهانی و کامل کرده است و حال آن که او هیچ گاه عیسی در زمان حیاتش درک نکرده است.

## پولس

پولس بنیان‌گذار الاهیات کیش مسیحی در شهر طرسوس واقع در کیلیکیا در حدود سال دهم میلادی به دنیا آمد. او یک یهودی زاده بود. پدرش فریسی بود و او را مطابق اصول پرورش این فرقه پرورش داد.

دروس ابتدایی را در کنیسه محل سکونتش فرا گرفت، پدرش او را به اورشلیم فرستاد که در آن جا کاملاً مطابق شریعت پرورده شود و به نام آیین یهود حمله به مسیحیت را آغاز کرد، او مسیحیان را به شدت مورد حمله و آزار قرار می‌داد و چون آگاهی یافت که کیش جدید پیروانی در دمشق پیدا کرده است از یک کاهن بزرگ اجازه گرفت به آن جا برود تا همه کسانی را «که متعلق به طریقت بودند» توقیف کند و با زنجیر به اورشلیم آورد (سال ۳۱ م). اما در بین راه بر اثر مکاشفه‌ای تغییر عقیده داد و به کیش مسیحی درآمد.<sup>۲</sup>

## تلاش‌های پولس در جهت نسخ شریعت موسوی

پولس مدت هشت سال پس از گروش به مسیحیت در شهر زادگاهش ماند. سپس برناباس برای اداره کلیسای انطاکیه از او یاری جست. با همکاری هم (۴۳-۴۴) آن قدر اشخاص را به کیش مسیح درآوردند که عده عیسویان انطاکیه بیش از همه شهرهای دیگر شد. پولس در این زمان با تحریف دین مسیح و شریعت آن و با بیان این نکته که برای مسیحی شدن نیاز به ختنه شدن نیست و همچنین تبلیغ در میان مسیحیان جدید، طرفداران زیادی پیدا می‌کند. این نخستین گام برای دور شدن از شریعتی بود که مسیح نیز بر آن تأکید می‌کرد. کار بدان جا کشید

۱- انجیل متی، ۱۶: ۱۸.

۲- اعمال رسولان، ۶: ۲۳-۲۸.

که حتی تیطوس، دوست و همراه غیریهودی پولس هم ختنه نکرد. کلیسا نیز از او و دیگر تازه ایمان آوردگان چنین درخواستی نداشت.<sup>۱</sup>

از عهد جدید برمی آید که نزاع سختی بین دو جناح حواریان و در رأس آن‌ها پطرس از یک سو و پولس از سوی دیگر، در جریان بوده است. در حقیقت، پولس مأموریت الهی پطرس را می‌پذیرفت اما مدعی بود که:

در واقع همان خدایی که مرا برای هدایت غیریهودیان به کار گرفته، پطرس را نیز برای هدایت یهودیان مقرر داشته؛ زیرا خدا به هر یک از ما رسالتی خاص بخشیده است.<sup>۲</sup>

بنابراین او عملاً قلمرو مأموریت پطرس را محدود ساخته، آن را به منطقه یهودی‌نشین منحصر می‌کند. در حالی که بر اساس این ادعا حوزه مأموریت پولس بسیار وسیع‌تر (سراسر امپراتوری روم) بوده است. به نظر می‌رسد که این تقسیم مأموریت، به گونه‌ای مسالمت‌آمیز صورت نگرفته است.

پولس در طی سفرهای تبلیغی خویش از کورنت به اورشلیم رفت (سال ۵۳) تا «به کلیسا درود بفرستد.» ولی اندکی پس از آن عازم سومین سفر تبلیغی خویش شد، از جماعات مسیحی در انطاکیه و آسیای صغیر بازدید کرد، و آن‌ها را با حرارت و اطمینان خود دل‌گرم ساخت. دو سال را در افسوس گذرانید، و سپس عزم مقدونیه کرد. بعد از مقدونیه چند ماه را به خوشی با جماعات کوچکی که در فیلیپی، تسالونیکا، و بیریه تأسیس کرده بود گذرانید.<sup>۳</sup>

در جریان فعالیت‌های تبشیری پطرس و پولس و برنابا، تعدادی از دوگانه پرستان، بدون این‌که با دین یهود آشنا بوده و در شریعت آن سیر کرده باشند، ایمان آوردند. اینان هیچ‌کدام، ختنه شده نبودند.<sup>۴</sup> از سوی دیگر زمانی که پولس و برنابا در انطاکیه بوده و تعدادی از غیریهودیان را وارد دین مسیح کرده بودند، گروهی از یهودیان مسیحی با آن دو وارد نزاع شده و گفتند: اگر کسی به آداب و رسوم قدیمی یهود وفادار نماند و ختنه نشود، محال است بتواند نجات پیدا کند.<sup>۵</sup> پولس از در مخالفت با آن‌ها درآمد و از آزادی تازه هدایت یافتگان دوگانه‌پرست در برابر فرمان‌های کلیسا سخن گفت. آن‌گاه که نزاع خاموش نشد، قرار شد که پولس و برنابا به اورشلیم

۱- اعمال رسولان، ایواب ۷-۹.

۲- رساله پولس به غلاطیان، ۲: ۹-۸.

۳- قاموس کتاب مقدس، ذیل پولس.

۴- اعمال رسولان، ۱۱: ۳.

۵- اعمال رسولان، ۱۵: ۲.

رفته و عقیده رسولان و کشیشان آن‌جا را در این باره جویا شوند. پس از آن‌که به اورشلیم رسیده و آنان را از مسئله آگاه ساختند، چند نفر از مسیحیان که قبلاً از فرقه فریسیان بودند، برخاسته، گفتند: «تمام غیر یهودیانی که مسیحی شده‌اند باید ختنه شوند و تمام آداب و رسوم یهود را نگاه دارند.»<sup>۱</sup> در جلسه‌ای دیگر و با حضور رسولان و کشیشان و پس از بحث‌های بسیار، پولس و برنابا، از معجزاتی که خداوند در میان غیر یهودیان به عمل آورده بود، گفتند. پس از آن یعقوب (رئیس کلیسای اورشلیم) چنین گفت: «... بنابراین، عقیده من این است که نباید در مورد غیر یهودیانی که به سوی خدا بازمی‌گردند، اصرار کنیم که قوانین یهودی را نگاه دارند. فقط بنویسیم که گوشت حیواناتی را که برای بتها قربانی شده‌اند، خون و حیوانات خفه شده را نخورند و زنا نیز نکنند. چون سال‌هاست که روزهای شنبه در هر شهر در کنیسه‌ها این شریعت موسی موعظه شده است.»<sup>۲</sup>

پس از این جریان، پولس نظریه خود را به این شکل آشکار کرد:

«به خوبی می‌دانیم که انسان با اجرای احکام شریعت، هرگز در نظر خدا پاک و بی‌گناه به حساب نخواهد آمد، بلکه فقط با ایمان به عیسی مسیح، پاک و بی‌گناه محسوب خواهد شد. بنابراین، ما نیز به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا از این راه مورد قبول خدا واقع شویم، نه از راه انجام شریعت یهود. زیرا هیچ کس هرگز با حفظ احکام شریعت، نجات و رستگاری نخواهد یافت.»<sup>۳</sup>

مقصود پولس از این سخنان، هرگز آن نبود که ایمان و عمل، دو سبب نجاتند؛ بلکه می‌گفت: هم‌چنین، کسانی که می‌خواهند به وسیله اجرای دستورهای شریعت نجات یابند، زیر لعنت خدا قرار دارند.<sup>۴</sup> او ادامه می‌دهد: اما مسیح، لعنتی را که در اثر گناهان ما به وجود آمده بود، بر خود گرفت و ما را از هلاکتی که این روش «شریعت» پدید آورده بود، رهایی بخشید، روشی که انجامش غیر ممکن بود.<sup>۵</sup>

۱- اعمال رسولان، ۱۵: ۵.

۲- اعمال رسولان، ۱۵: ۱۹-۲۱.

۳- رساله پولس به غلاطیان ۲: ۱۶.

۴- رساله پولس به غلاطیان ۳: ۱۰.

۵- رساله پولس به غلاطیان ۳: ۱۰.

پولس می‌افزاید: اگر چه خداوند، شریعت را فرستاده، اما در این میان، فرشتگان، واسطه ارسال شریعت به انسان‌ها بوده‌اند و همین امر دلیل سستی و ضعف آن به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> او گر چه شریعت را امری پاک و مقدس می‌داند؛ اما با این حال می‌گوید:

این شریعت بود که ما را به گناهان و بدی‌ها آشنا کرد. به عنوان مثال اگر در احکام و شریعت گفته نشده بود که نباید در قلب خود خواهش‌های ناپاک داشته باشید، من هیچ‌گاه به وجود چنین خواهش‌هایی در خود پی نمی‌بردم. و اکنون شریعت، ضعیف‌تر از آن است که بتواند، انسانی را که مانند یک برده به گناه خود فروخته شده، نجات دهد. بنابراین، شریعت، نه تنها سبب رهایی انسان از گناه و بدی نمی‌گردد، بلکه او را هر چه بیش‌تر در کام آن فرو برده و در معرض لعنت قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

چنین آموزه‌ای برآمده از تفکرات پولسی است که جدای از ایمان به مسیح، تنها کاری را که لازم می‌داند، «محبت» است و تمامی شریعت به همین مفهوم، خلاصه می‌شود. این آموزه‌ها از پولس آغاز شده و کم‌کم جای خود را در جامعه مسیحی پیدا کرد. داستان نسخ شریعت موسوی توسط پولس و طرفداران وی سازماندهی شد. رساله‌های پولس مملو از مطالبی در نسخ شریعت است. او در این راه تلاش بسیار کرد و فرقه طرفداران اصول و شرایع موسوی را مغلوب ساخت.

### عوامل مهم در پیش‌برد نظریه نسخ شریعت موسوی

- همان‌طور که گذشت بنا به مصالحه بین حواریون و پولس قلمرو تبلیغی این دو از هم جدا شد. گستردگی و پرداختگی قلمرو پولس که شامل تمامی امپراطوری روم می‌شد بعدها و در جریان جنگ علیه مسیحیان بسیار تأثیرگذار بود.
- پولس در سال‌های ۶۴-۶۵ کشته شد. پطرس هم در همین سال‌ها از دنیا رفته است. چند سال بعد تیطس فرمانده رم، اورشلیم را از بین برد و یهودیان بسیاری را کشت. بقیه را هم کوچ می‌دهد. از سال ۷۰ میلادی تا ۱۹۴۸م آنان آواره بودند. در تقسیم‌ی که بین حواریون و پولس شد، حواریون با بنی‌اسرائیل کار می‌کردند که تیطس آن‌ها را کشت و آواره کرد. اما پولس با غیریهودیان کار داشت که تحت فشار نبودند. این عامل مهمی بود.<sup>۳</sup>

۱- رساله پولس به رومیان ۷: ۱۲-۱۴.

۲- رساله پولس به رومیان ۷: ۱۶-۲۰.

۳- سرگذشت مسیحیت، ص ۲۱-۲۹.

• عامل دیگر مصلحت‌های حکومت‌های رومی بود. در جریان شورای نیقیه، کنستانتین تصمیم گرفت، نظریه پولس را رسمیت بدهد، زیرا خدای پولسی، محسوس و مشهود بود و از این جهت همانند خدایان محسوس رومیان بود و هماهنگی بیش‌تری با فرهنگ مردم روم داشت و از طرفی در دیدگاه پولس، شریعت وجود نداشت، و این موجب آزادی بیش‌تر می‌شد که مطلوب بود.

• **مارکیون** در سال ۱۴۰ میلادی به قصد تکمیل کار پولس و جدا کردن مسیحیت از آیین یهود به روم آمد. وی گفت: نیکان، کسانی هستند که به پیروی از پولس از شریعت یهود دست کشند.<sup>۱</sup>

• **آگوستین** در قرن پنجم میلادی در مقابل پلاچیوس که معتقد به حفظ شریعت بود و می‌گفت باید ایمان مسیحی با شریعت توأم گردد وارد عمل شد و موضع‌گیری سختی علیه وی به طرفداران از عقیده کفایت ایمان اتخاذ نمود و بالاخره در سال ۴۳۱ م، در شورای افسس نظرات پلاچیوس مورد محکومیت قرار گرفت.<sup>۲</sup>

### استدلال‌های پولس برای عدم نیاز به شریعت

- ۱- شریعت لعنت خداست و هرکس که یکی از احکام شریعت را انجام ندهد، ملعون است. پس همه تحت لعنت هستند و از طرفی دیگر مکتوب است که ملعون است آن که به دار آویخته شود. پس عیسی لعنت شد تا ما را از لعنت شریعت فدا شود.<sup>۳</sup>
- ۲- شریعت یک محدودیت است و مانند فرزند تحت کنترل پرستار می‌باشد.<sup>۴</sup> وقتی از شریعت راحت شدید، به فضای آزادتر وارد می‌شوید.
- ۳- نمی‌شود هم با ایمان و هم با شریعت به نجات رسید. شریعت بد نیست؛ اما نمی‌توان از آن راه به نجات رسید؛ زیرا انسان بالاخره گناه می‌کند.<sup>۵</sup>

۱- همان، ص ۵۳.

۲- همان، ص ۷۳-۷۴.

۳- رساله پولس به غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳.

۴- رساله پولس به غلاطیان ۳: ۲۳-۲۶.

۵- رساله پولس به غلاطیان ۳: ۵-۱.

## نکاتی در نقد نظر پولس

**نکته اول:** پولس شریعت را تأویل می‌کند. مثلاً ختنه را به ختنه قلبی معنا می‌کند.<sup>۱</sup> توجه باید داشت که در مقابل پولس، یهود قرار داشت. یهودی که تمام دینش شریعت است و در آن زمان خالی از باطن و حقیقت شده است.

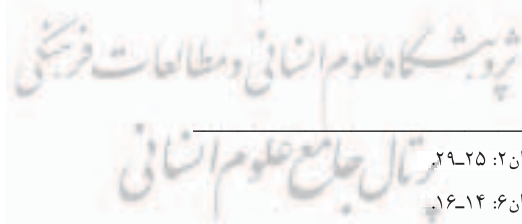
**نکته دوم:** پولس برخلاف عیسی علیه السلام که هر دو بعد را تأکید دارد، فقط بر باطن تأکید دارد. چرا مسیحیان سیره حضرت عیسی و حواریون را ترک کرده و سیره پولس را تبعیت می‌کنند؟ جواب این است که مسیحیان معتقدند که عیسی حقیقتاً خدا و حقیقتاً انسان بود. خود عیسی حقیقت انسان بودن خود را بیان کرد؛ اما پولس وظیفه بیان بُعد الوهی او را برعهده داشت. در تعبیر منسوب به حضرت عیسی در مورد پولس آمده است که او را ظرف برگزیده خود می‌خواند. طبق این نام مقام پولس بالاتر از تمام حواریون است. او در واقع پیامبر مسیح است.

**نکته سوم:** توجه کنیم که پولس شریعت موسوی را نفی کرد؛ اما او شریعت را بد نمی‌داند؛ می‌گوید که شریعت توان به نجات رساندن ما را ندارد. نکته دیگر این که او عمل صالح را نیز نفی نمی‌کند.<sup>۲</sup>

**نکته چهارم:** نکته دیگر این است که با نفی شریعت، عمل صالح را چگونه بشناسیم. او می‌گوید: خودت باید کشف کنی. آن چه مطابق طبیعت انجام شود، عمل صالح است.

این اشکال بر این نظر وارد است که در موارد تزاحم یا اختلاف در تشخیص مصداق انسان به ناچار باید پایبند و معتقد به نسبت شود. پیامد دیگر این نظریه این است که وقتی شریعت کنار گذاشته شود، دین، دین سکولار می‌شود.

**نکته پنجم:** آخرین نکته در نقد دیدگاه پولس این است که که سخنان پولس بعد از این که شنیده شد، مورد پذیرش حواریون قرار نگرفت. در کتاب مقدس آمده است که یعقوب، که گفته می‌شود برادر حضرت عیسی علیه السلام است، با پولس مخالفت کرد. سخنان او کاملاً نقد سخنان پولس است. پولس تصریح می‌کند که عدالت ابراهیم از ایمان است و یعقوب آن را نتیجه اعمال می‌داند. آنان در بعد الوهی یا انسانی مسیح نیز اختلاف نظری دارند.<sup>۳</sup>



۱- رساله پولس رسول به رومیان ۲: ۲۵-۲۹.

۲- رساله پولس رسول به رومیان ۶: ۱۴-۱۶.

۳- رساله یعقوب ۲: ۱۴-۲۲.

## دلیل تشریح شریعت‌های گذشته از دیدگاه پولس

با توجه به سخنان فوق در ناکارآمدی شریعت، این پرسش به ذهن می‌آید که چرا خداوند در دوره‌های قبل شریعت را برای انسان‌ها فرستاد. آیا این کار لغو نبوده است. پاسخی که می‌توان از سخنان پولس به دست آورد این است که:

- ۱- انجام شریعت موسی می‌تواند گناه انسان را به انسان بنمایاند.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر چه در اصل نجات مدخلیتی ندارد، اما در میزان پاداش الهی مؤثر است.<sup>۲</sup>
- ۳- شریعت به این منظور اعطا گردید که مردم را به سوی مسیح رهبری کند.<sup>۳</sup>
- ۴- پیروی از شریعت موسوی بعد از آمدن مسیح گناه را افزون می‌کند و افزونی گناه ارزش و تأثیر مرگ مسیح در نجات را روشن‌تر می‌سازد.<sup>۴</sup>

## شریعت جدید

با نفی شریعت موسوی، شریعت جدید جای‌گزین آن می‌شود. اگر چه ظاهر سخنان پولس در عهد عتیق نفی مطلق شریعت را می‌رساند؛ اما به نظر می‌رسد که عملاً چنین امری ممکن نبوده است و خود پولس هم بر تعالیم اخلاقی تأکید کرده است. البته بخش احکام فقهی شریعت موسوی تقریباً به طور مطلق نفی شد.

به مرور شریعت جدیدی جای شریعت قدیم را گرفت؛ زیرا روشن بود که اگر مسیحیت بخواهد به عنوان یک دین باقی بماند، نمی‌تواند بدون احکام و دستورات باشد. البته شریعت جدید، حداقلی بود و اساس آن ایمان بود که اهمیت آن در سخنان پولس با تأکید تمام، بیان شده است. در این شریعت جدید که به مرور پدید آمد، از میان دستورات فقهی و اخلاقی، تنها بر دستورات اخلاقی مانند مهرورزی، انفاق و مانند آن تأکید شد. به همین دلیل می‌توان شریعت جدید را شریعتی صرفاً اخلاقی دانست. البته باید توجه داشت که مراد از اخلاقی بودن این شریعت بدین معناست که ریشه احکام آن، اخلاقی است و حلال و حرام‌های غیراخلاقی در آن نیست. پس نباید اخلاقی بودن را به معنای استحباب و عدم الزام شمرد؛ زیرا دستورات اخلاقی عهد جدید نیز دارای نوعی الزام برای مسیحیان است و به معنای امر استحبابی نمی‌باشد.

۱- رساله پولس به غلاطیان؛ ۵: ۱۲-۱۶.

۲- رساله پولس اول به قرنتیان؛ ۳: ۱۱.

۳- رساله پولس فلاطیان؛ ۳: ۲۲.

۴- رساله پولس رومیان؛ ۵: ۲۰.

## امتیازات شریعت جدید

با توجه به سخنان گفته شده در مورد لزوم ایمان و اثر نجات بخش فدیة مسیح، مسیحیان معتقدند که شریعت جدید، امتیازات متعددی بر شریعت قدیم دارد. از جمله این که شریعت جدید، شریعت نعمت است و شریعت گذشته شریعت ترس بود. مردم در گذشته به خاطر ترس از عقاب خداوند، از او اطاعت می‌کردند؛ اما در عهد جدید به خاطر ایجاد رابطه جدید با عیسی به عنوان خداوند آنان و عدالت شمردگی در نزد خداوند پدر، آنان از روی اشتیاق و میل، از دستورات الهی اطاعت می‌کنند.

در فرهنگ مسیحی «خدا پدر تمامی بشر است.»<sup>۱</sup> این عقیده که برگرفته از سخنان و تعابیر عیسی علیه السلام است این برداشت را برای آنان دارد که هر فرزندی که والدین با محبت دارد، نجات او از طریق لطف آنان است، نه در مقابل اعمال آنان. لطف والدین به آنان در عوض کارهای خوب فرزندان نیست. والدین خوب، میان فرزندان خود تبعیض قائل نمی‌شوند. به همین خاطر فرزند نیز در مقابل، برای اجر و پاداش نیکویی نمی‌کند، بلکه از سر حق‌شناسی و در پاسخ به لطف و محبتی که دیده است، خوبی می‌کند.

هم‌چنین شریعت جدید بر مبنای محبت استوار است، نه بر معامله سودجویانه. در عهد قدیم، انجام اعمال برای رسیدن به سود آن بود؛ اما عیسی علیه السلام فرمود: وقتی انسان آن چه را در قدرت دارد، انجام می‌دهد، باید خود را غلام بی‌منفعت بخواند.<sup>۲</sup> یعنی نباید انتظار اجر و پاداش داشته باشد. هم‌چنین می‌فرماید: خدا باران خود را بر عادلان و ظالمان می‌باراند.<sup>۳</sup> یعنی زندگی نیک، پاداش نیک به دنبال ندارد. در مثال تانگستان نیز عیسی این مطلب را رد و کارگرانی که تمام روز کار کردند، بیش‌تر از کسانی که یک ساعت مشغول کار بودند، مزد نگرفتند.<sup>۴</sup> بنابراین آنان به این نتیجه رسیدند که دریافت اجر و پاداش از خدا در برابر اجرای برخی قوانین اصولاً غلط است؛ زیرا مذهب را به تجارت و داد و ستد تبدیل می‌کند.

۱- نمونه‌ای از عبارات مسیح در این مورد از این قرار است: « پدر من آن است که مرا جلال می‌بخشد آن‌که شما می‌گوئید خدای ما است (۵۴) انجیل یوحنا (۸) شما کامل باشید چنان‌که پدر شما در آسمان است کامل است (۴۸) انجیل متی (۵) عیسی بدو گفت مرا لمس مکن زیرا که هنوز نزد پدر خود بالا نرفته‌ام و لیکن نزد برادران من رفته به ایشان بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می‌روم (۱۷) انجیل یوحنا (۲۰).»

۲- انجیل لوقا ۱۷: ۱۰.

۳- انجیل متی ۵: ۴۵.

۴- انجیل متی ۲۰: ۱.



از طرف دیگر، پولس و هم‌فکران او متوجه شدند که شریعتی بودن باعث یأس و ناامیدی انسان می‌شود، وقتی متوجه می‌شدند که چقدر با معیار واقعی نیکوکاری فاصله دارند، از خود و از نجات و اجر و پاداش خود مأیوس می‌شدند.<sup>۱</sup>

## وضیعت حاصل از ایمان و رهایی از اسارت گناه

### ۱- آزادی از قید گناه و دوری از بی‌بند و باری

ایمان‌دارانی که به وسیله مسیح رهایی یافته‌اند، از تسلط شیطان و گناه و قدرت آن آزاد هستند.<sup>۲</sup> یعنی آسان‌تر می‌توانند گناه را ترک کنند. البته باید توجه داشت که این آزادی از گناه فرد را بی‌بندوبار نمی‌سازد تا هر چه بخواهد انجام دهد؛ زیرا به اعتقاد آنان، فرد در این حالت، متعلق به خدا می‌گردد و خود از گناه دوری می‌کند. *آزادی از گناه ما را تبدیل به غلامان خدا می‌سازد.*<sup>۳</sup>

### ۲- عادل شمردگی

عادل شمردن اثر نعمت مجانی خداوند است که به واسطه آن تمام گناهان انسان بخشیده می‌شود و خداوند انسان‌ها را به عنوان افراد عادل در برابر خود می‌پذیرد. قصاص شریعت از او برداشته می‌شود و خداوند از او راضی می‌شود؛ به گونه‌ای که گویا او عادل است. این به خاطر کار نیک مسیح است که برای او شمرده می‌شود و با این ترتیب، حکم خداوند در مورد انسان گناهکار به سبب نسبت جدید او با مسیح، تغییر می‌کند و او او عادل شمرده می‌شود. به جای آن که به او محکوم شود و او را می‌پذیرد به جای آن که او را از خود براند. بنابراین عادل شمردن تصریح خدا به تبرئه گناه کسی که گناه کرده است، فقط به جهت ایمان او به مسیح.<sup>۴</sup>

### ۳- تقدیس

مراد از تقدیس اخلاقی «اثر نعمت مجانی الهی است که با آن تمام قوای ما به شکل الهی در می‌آید و قدرت ما افزون می‌گردد تا ما اندک اندک از گناه می‌میریم و به نیکی زنده می‌شویم.»<sup>۵</sup>

۱- زیبایی‌نژاد، محمدرضا، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، سروش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۰۸.

۲- (اعمال رسولان ۲۶: ۱۸؛ روم ۶: ۷، ۱۲، ۱۴، ۱۸؛ رساله پولس به کولسیان ۱: ۱۳)

۳- (اعمال رسولان ۲۶: ۱۸؛ روم ۶: ۱۸، ۲۲؛ رساله اول پولس به قرنتیان ۶: ۱۹-۲۰؛ ۷: ۲۲-۲۳)

۴- نظام‌التعلیم فی علم اللاهوت، ج ۲، ص ۳۵۴.

۵- همان، ص ۳۶۶.

## احکام شریعت جدید

چنان که گفته شد، شریعت جدید، شریعتی حداقلی است. عمده تعالیم شریعت جدید، اخلاقی است. این بخش در عهد قدیم نیز بود، علت آن که مسیحیان این بخش از تعالیم عهد عتیق را پذیرفتند و آن را تکمیل کردند، آن بود که این گونه احکام را اموری طبیعی و به تعبیر اسلامی، فطری می‌دانستند که صرف نظر از هر دینی انسان می‌تواند خود آن‌ها را تشخیص داده و به آن عمل کند. علاوه بر احکام اخلاقی به مرور، مراسم‌هایی نیز به عنوان مراسم‌های رسمی مسیحیت پذیرفته شد. مانند مراسم عشای ربانی یا تدهین و... که اضافه شدن این گونه اعمال نیز در ایجاد دین متمایز مورد نیاز بود. به مرور نیاز به مدیریت و رهبری جامعه مسیحی، موجب ایجاد شوراهای کلیسایی و مقام رهبری در جامعه مسیحی شد و مقام‌هایی مانند پاپ، اسقف و... پدید آمد. نیازمندی به پشتوانه اجرایی دینی باعث شد که دستورات آنان با شرایط خاص، از احکام دینی و الزام‌آور شمرده شود. به همین جهت اکنون پاپ در منصب پاپی خود، شوراهای کلیسای و اسقف‌ها با شرایط خاص، حق قانون‌گذاری و جعل احکام شرعی دارند.

به اختصار می‌توان دستورات کلیسایی را این‌گونه تقسیم‌بندی کرد: **دسته اول:** واجبات یک مسیحی به اعتبار این که مؤمن است و بدون در نظر گرفتن رابطه او با کلیسا و با جهان؛ **دسته دوم:** واجبات مربوط به ارتباط فرد مسیحی با کلیسا و جهان.

### **دسته اول:** یعنی واجبات ذاتیه شامل امور مختلفی می‌شوند.

۱. واجبات متعلق به رجوع به سوی خدا مانند توبه، ایمان و تسلیم به سلطنت مسیح و اعتبار تعالیم او و اطاعت دستورات او و قبول او به عنوان معلم و فدیة کننده و پادشاه
۲. واجبات متعلق به اهداف قلبی که حیات جدید یافته است مانند: طلب مجد خداوند در تمام اعمال ما و تلاش در راضی کردن خداوند و عزلت برای خدمت خالصانه مسیح، اقتدا به مسیح و طلب کمال در تمام افکار، سخنان و کردارمان.
۳. واجبات متعلق به نبرد با شیطان از این جمله است، تلاش برای از بین بردن خواهش‌های انسان گذشته و جدید شدن و احیاء آثار روح و میراندن شهوت‌های بدن و مراقبت از افکار و رفتارمان و شب زنده‌درای با دعا و...
۴. واجبات متعلق به خدمت مسیح که عبارتند از: احترام او به اعتبار این که آقای ماست و هر کاری را به نام او انجام دهیم. سعی در برطرف کردن احتیاجات برادران ما

از فرزندان آدم که مسیح به خاطر آنان مرد. و ما را دستور داد که به دنبال اصلاح امور روحی و بدنی آنان با امامت و محبت باشیم با انکار ذات و تواضع.

۵. واجبات متعلق به عبادت دینی و تسبیح و نماز که شامل تقدیم جان‌هایمان و بدن‌هایمان به عنوان قربانی پروردگار می‌شود و تقدیم عبادت برای او با تمام وقار و روع قلبی با تسبیح و حمد و تضرع گروهی، خانوادگی و فردی در حق خودمان و دیگران.

**دسته دوم:** از واجبات که به مسیحی به جهت ارتباط با کلیسا و جهان اختصاص دارد، شامل مواردی زیر است:<sup>۱</sup>

۱. واجبات متعلق به عضویت در کلیسا و اطاعت در هر آن چه موافق نصوص کتاب است و حضور در اجتماعات برادرانه آن و معاشرت با برادران به لطف برادری و یاری آن در سختی‌ها و گرفتاری‌های آنان و این که انسان خادم غیوری برای مسیح باشد در گسترش مژده نجات و انجام واجبات آن در اعمال خیریه و کمک در تمام امور کلیسا از جمله شرکت در مراسم‌های مختلف مذهبی.
۲. واجبات مربوط به همسر، خانواده و تدبیر منزل و از این واجبات است که ازدواج بین یک مرد و یک زن با تمام طهارت و محبت برقرار باشد. و تربیت اولاد با ترس از خداوند و با آموزش واجبات دینی و هدایت آنان به لطف و محبت خداوند باشد...
۳. واجبات متعلق به خرید و فروش و از جمله این امور این است که وصیت هشتم (از وصایای دهگانه تورات) را حفظ کنیم با تمام معنای آن و در عمل با تمام تلاش آن را رعایت کنیم.
۴. واجبات متعلق به تمام بشر در روابط با مردم و از جمله این واجبات سعی در مفید بودن برای همه و رفتار با آنان با لطف و صبر و مهربانی با فقر او مساکین است و رفتار با عدل و انصاف و راستی و خلوص و استقامت است...
۵. واجبات مرتبط به رابطه ما با حاکم است و از جمله آن این است که او را احترام کنیم و از او اطاعت کنیم و مال قیصر را به قیصر بدهیم.<sup>۲</sup>

۱- همان، ص ۴۰۹-۴۱۰. به نقل از: کاکس، هاروی؛ مسیحیت؛ مترجم: سلیمان اردستانی، عبدالرحیم؛ قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۷۸؛ چاپ اول؛ ص ۱۱۱.

۲- انجیل متی ۲۲: ۲۱.

## شعائر یا احکام در مسیحیت

مسیحیان بر این اعتقادند، همان‌گونه که سال کلیسایی روند سیر و سلوک سالیانه را در طی زمان فراهم می‌کند، شعائر توشه نمادین را برای این سفر تهیه می‌کند. این اعمال، که به اعتقاد مسیحیان، به چیزی ورای افعال ظاهری اشاره دارند، آیین و یا شعائر و یا به گفته برخی از گروه‌های مسیحی احکام نامیده می‌شود. مسیحیان در بین خودشان درباره تعداد شعائر اندکی اختلاف دارند. در تعالیم کاتولیک‌های رومی و برخی دیگر از مسیحیان، این شعائر هفت عددند، در حالی که بیش‌تر فرقه‌های پروتستان آن‌ها را دو عدد می‌دانند. هم‌چنین برخی از گروه‌های مسیحی کلمه «احکام» را ترجیح می‌دهند تا این را بفهمانند که این‌ها اعمالی‌اند که خود عیسی مسیح به صورت ویژه‌ای به آن‌ها دستور داده است.

در ادامه سعی شده است؛ شعائر آن‌گونه که ممکن است به ترتیب در زندگی یک شخص واقع شوند، شرح داده شود.

### غسل تعمید

غسل تعمید نشانه ورود به جامعه کلیسا است و به خاطر همین در برخی از کلیساها حوض تعمید نزدیک درب ورودی قرار دارد. کلمه تعمید از واژه‌ای یونانی به معنای فرو بردن در آب گرفته شده است؛ و آب وسیله آشکاری است که برای تعمید به کار می‌رود و باعث تطهیر می‌شود. کلیساهایی نیز می‌توان یافت که با آب پاشیدن کودکان را تعمید می‌دهند، اما در اکثر موارد بالغ‌ها را تعمید می‌دهند، که معمولاً با فرو بردن کامل در آب است، این عمل به معنای دفن شدن و برخاستن دوباره برای زندگی جدید است. کلیساهایی که کودکان را تعمید نمی‌دهند، بر این عقیده‌اند که کودکان در این سن کم آمادگی ندارند که ایمان خودشان را بیان کنند؛ بنابراین تعمید را اجرا نمی‌کنند، تا کودکان به سن رضایت، که معمولاً اوایل نوجوانی است، برسند. اما در همین کلیساها غالباً مراسمی وجود دارد که در آن والدین، کودکان را به خدا «پیشکش» می‌کنند و در حضور اجتماع در کلیسا قول می‌دهند که کودک را یک مسیحی پرورش دهند.

در کلیساهایی که اطفال را تعمید می‌دهند، آیین تأیید، جوانان را قادر می‌سازد که اعتراف به ایمان را که قبلاً هنگام تعمید از طرف آن‌ها انجام شده «تصدیق کنند» یا اعتراف خود بدانند. در برخی از کلیساها، این تأیید به دست اسقف و غالباً با گذاشتن دست بر روی سر جوانی که تأیید می‌شود، انجام می‌گیرد. پس از چنین تأییدی شخص عضو کامل کلیسا است و بنابراین در برخی از سنت‌ها در این زمان به او برای اولین بار اجازه دریافت عشاء ربانی داده می‌شود. خاستگاه این شعار، خود عیسی است که وقتی جوانی سی ساله بود به دست یحیای تعمید دهنده، تعمید داده

شد. عهد جدید نیز به روشنی بیان می‌کند که عیسی به شاگردانش گفت که آن‌هایی را که می‌خواهند از او اطاعت کنند، تعمیم دهند. بنابراین نباید تعجب‌آور باشد که انجام نوعی تعمیم، هر چند با تفسیرهای مختلف، تقریباً در میان مسیحیان عمومی است.<sup>۱</sup>

## نماز

نماز در مسیحیت به معنای رایج ادیان نیست بلکه بیش‌تر، شکل دعا و نیایش دارد. نماز مسیحی، نه تنها شکل خاصی ندارد، بلکه آداب و الفاظ خاصی نیز ندارد، و مسیحی آزاد است آن گونه نماز بخواند و دعا کند که دلش می‌خواهد و یا آن گونه که کلیسا سفارش می‌کند. نماز به صورت انفرادی یا اجتماعی و یا مناسک خاصی انجام می‌پذیرد.<sup>۲</sup>

معمولاً نماز را با این آیات از کتاب مقدس آغاز می‌کنند:

«ای خداوند! به سخنان من گوش بده و به ناله‌های من توجه فرما، ای پادشاه و ای خداوند! به پیش‌گاه تو دعا می‌کنم و تو صدای مرا می‌شنوی پس من انتظار خواهم کشید تا جواب مرا بدهی.»<sup>۳</sup>

## روزه

مسیحیان در ایام روزه در شبانه‌روز تنها یک وعده غذای اصلی می‌خورند، مایعات مانند آب، شراب، شیر، آب میوه و خوراکی‌های جزئی روزه آنان را باطل نمی‌کند. روزه مسیحیان به واجب و مستحب تقسیم می‌شود. روزه چهل روزه یا لنت که قبل از عید پاک صورت می‌گیرد و اکنون نزد کاتولیک‌ها به چهارشنبه خاکستر و جمعه خوب تقلیل یافته است واجب و سایر روزه‌های آنان مستحب است. سن وجوب روزه بیست و یک سالگی است. مسیحیان علاوه بر روزه عملی به نام پرهیز دارند که در آن از غذاهای خاصی مانند گوشت قرمز پرهیز می‌کنند.<sup>۴</sup>

۱- کاکس، هاروی؛ مسیحیت؛ مترجم: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم؛ قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۷۸؛ چاپ اول؛ ص ۱۱۱.

۲- جمالی، یوسف، نماز در ادیان ابراهیمی، پیش شماره اول نیستان، ص ۱۰۴.

۳- مزامیر، ۱-۳.

۴- رسول‌زاده، عباس و باغبانی، جواد، شناخت مسیحیت، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۹، صص ۵۷۷-۵۸۰.

## عشاء ربانی

عشاء ربانی که گاهی «مجلس سپاس‌گذاری» یا «شام خداوند» خوانده می‌شود، آیین یا حکم دیگری است که تقریباً تمام کلیساهای مختلف مسیحی در آن سهیم‌اند. این مراسم از «شام آخر» مشهور عیسی ریشه می‌گیرد؛ شامی که عیسی با شاگردانش در اورشلیم در آن شبی خورد که یهودای اسخریوطی به وی خیانت کرد و او در روی کوه زیتون دستگیر شد. هر چند تقریباً همه مسیحیان شام خداوند را نیز به نحوی از انحا برگزار می‌کنند، اما درباره طریقه اجرای آن تقریباً بیش از هر چیز دیگر بحث و نزاع کرده‌اند. کاتولیک‌های رومی معتقدند که نان و شراب عشاء ربانی در دستان کشیشی که بر طبق موازین به این کار گمارده شده است، از طریق آن چه که «تبدل جوهر» نامیده می‌شود، بدن و خون واقعی مسیح می‌گردد. لوتری‌ها تعلیم می‌دهند که مسیح «درون و همراه و تحت» این عناصر حاضر است، ولی با عقیده تبدیل جوهر موافق نیستند. پیروان کلیسای انگلستان نیز (که در ایالات متحده «پیروان کلیسای اسقفی» نامیده می‌شوند) معتقدند که مسیح در عشاء ربانی حضور دارد، ولی با هم‌دیگر در چگونگی آن اختلاف دارند و از این لحاظ آن‌ها مانند کلیساهای ارتدکس‌اند.<sup>۱</sup>

## ازدواج

در برخی از کلیساهای ازدواج، یک آیین شمرده می‌شود. در کلیسای کاتولیک رم مراسم ازدواج را عروس و داماد اجرا می‌کنند و کشیش شاهد آن است. در کلیساهای ارتدکس عملاً کشیش زن و مرد را به همسری هم در می‌آورد. در بیش‌تر کلیساهای پروتستان هر چند ازدواج منزلت بالایی دارد، اما یک آیین به حساب نمی‌آید، بلکه تعهد بسیار جدی و الزام‌آوری است که خداوند آن را مبارک خوانده است. حضور در عروسی یکی از اندک مواردی است که مردم در یک جامعه چند دینی، با سنت دیگران تماس دارند، کشیش ابتدا از زن و مرد می‌پرسد که آیا یک‌دیگر را آزادانه به عنوان همسر اختیار کرده‌اند. اگر آن‌ها پاسخ مثبت دهند، تعهدات و وعده‌هایی به هم می‌دهند و غالباً این کلمات را تکرار می‌کنند؛ «در خوشی‌ها و ناراحتی‌ها، در غنا و فقر، در بیماری و سلامتی، دوست می‌داریم و گرامی می‌داریم تا وقتی که ما دو نفر زنده‌ایم.» آن‌ها سپس معمولاً حلقه مبادله می‌کنند و کشیش مجری مراسم از خدا می‌خواهد که به پیوند آن‌ها برکت دهد و سپس اعلام می‌کند که آن‌ها زن و شوهرند.<sup>۲</sup>

۱- کاکس، هاروی؛ مسیحیت؛ مترجم: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم؛ قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۷۸؛ چاپ اول؛ ص ۱۱۲.

۲- همان، ص ۱۱۳.

## انتصاب

انتصاب در کلیساها و گروه‌های مسیحی که روحانی منصوب دارند (نه در همه آن‌ها) آیین عبادی مهمی است. معمولاً اعتقاد بر این است که شخص برای این که کشیش منصوب بشود باید به سوی این شکل خاص از خدمت مسیحی «دعوت» شده باشد. در برخی از کلیساها دوره‌ای طولانی از آموزش و تمرین برگزار می‌شود که در آن داوطلب، کتاب مقدس، تاریخ و الهیات مسیحی، مهارت‌های خدمت روحانی از قبیل تبلیغ و سرپرستی روحانی و گاهی موضوعاتی از قبیل فلسفه اخلاق، روان‌شناسی و فلسفه دین و ادیان مقایسه‌ای را مطالعه می‌کند. فقط پس از اتمام این مقدمات دشوار، شخص داوطلب می‌تواند منصوب شود.<sup>۱</sup>

## اعتراف

اعتراف، که گاهی آیین توبه یا آشتی نامیده می‌شود، در کلیساهای مختلف به روش‌های گوناگونی اجرا می‌شود. این آیین برای مسیحیان این فرصت را فراهم می‌آورد تا صراحتاً با اعمال و رفتاری که به عقیده ایشان، فرد را از خدا و بقیه مردم جدا می‌کند، روبه رو شود. گاهی این آیین از طریق گفت‌وگوی خصوصی با یک کشیش انجام می‌شود و گاهی نیز گروهی به طور دسته جمعی این کار را انجام می‌دهند.<sup>۲</sup>

## تدهین

برخی از گروه‌های مسیحی آیینی دارند که گاهی «تدهین نهایی» نامیده می‌شود. در این آیین در حالی که دعاهای مخصوصی خوانده می‌شود، شخص روغن مالی می‌شود. در میان کاتولیک‌های رومی گاهی این آیین به «آخرین آیین» شناخته می‌شود، چون این آیین هنگامی انجام می‌شود که آثار مرگ ظاهر شده است. اما این آیین در الهیات کاتولیک متأخرتر بیش‌تر نماد آشکار قدرت خدا برای شفای بیماری‌های بدنی و روحی انسان شمرده می‌شود.<sup>۳</sup>

۱- کاکس، هاروی؛ مسیحیت؛ مترجم: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم؛ قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۷۸؛ چاپ

اول؛ ص ۱۱۶.

۲- همان، ص ۱۱۷.

۳- همان، ص ۱۱۹.

## نتیجه گیری

نسخ و برداشته شدن شریعت موسوی، در دیدگاه مسیحیان با فدای مسیح شکل گرفت. شریعت که در دیدگاه مسیحیان لعنت خدا به خاطر گناه آدم و سرایت آن در نسل وی بود، فقط و فقط باید به دست کسی برداشته می‌شد که جایگاهی چون خداوند دارد. این شخص خود خدا بود که به صورت مسیح به زمین آمد تا انسان را از این لعنت ابدی برهاند. جایگاه ایمان و نقش آن در سعادت در فرهنگ و زندگی مسیحیان جایگاهی بس عظیم را دارد و جایگزین به سزایی برای شریعت موسوی است و از آن تعبیر به شریعت ایمان و یا شریعت محبت می‌گردد. بحث جای‌گزینی شریعت ایمان به جای شریعت موسوی در این دین پرداخته و ساخته دومین و بزرگ‌ترین شخصیت انسانی مسیحیت یعنی پولس است.

گرچه جدایی دین مسیحیت از شریعت موسوی در طی یک فرآیند تاریخی و در پی فراهم شدن بسترهای مناسب آن مشاهده می‌شود، اما اشاره و اعتراف عهد جدید در برابر این پرسش که چه کسی این عقیده را دامن زده است، با مشخص کردن چهره مهمی، چون پولس موردی مهم و قابل مطالعه و توجه است.

از خلال آن‌چه که در این مقاله می‌آید، فهمیده می‌شود که نسخ شریعت موسوی نه تنها از سوی مسیح علیه السلام به رسمیت شناخته نشد؛ بلکه آن حضرت بر پای‌بندی به آن اصرار می‌کرده و خود نیز فرمان‌های آن را انجام می‌داده‌اند. نسخ شریعت موسوی و جای‌گزینی شریعت ایمان با آموزه‌های پولس آغاز شده و کم‌کم جای خود را در جامعه مسیحی پیدا کرده است. شریعت جدید یا همان شریعت ایمان دارای ویژگی‌ها و مزایایی است که به آن پرداخته شد.

